



انتقاد گسترده کاربران شبکه‌های اجتماعی از ترجمه غلط وزارت خارجه از لایحه CFT

قلب داغ شد!

صفحه ۵

نگاهی به بحران‌های عمده‌ای که ایالات متحده را به پایان نزدیک کرده است

آیا آمریکا رو به افول است؟

صفحه ۱۱

عضو شورای شهر تهران:

برای شهرداری سرپرست انتخاب نمی‌کنیم

صفحه ۴

نگاهی به وضعیت «سینمای مقاومت» به بهانه معرفی نامزدهای بهترین‌های ۴۰ سال این سینما

سینمای ایران بدهکار مقاومت

صفحه ۱۳

بیش از ۱۰۰۰ مفقود و ۷۰ کشته در آتش‌سوزی کالیفرنیا

سان‌فرانسیسکو آلوده‌ترین شهر جهان نام گرفت

صفحه ۱۵

رهبان انقلاب در دیدار رئیس‌جمهوری عراق:

برای گسترش همکاری‌ها مصمم هستیم



پیام به واشنگتن از تهران

برهم صالح در سفر به ایران بر مخالفت با تحریم‌های آمریکا تأکید کرد

روحانی: می‌توانیم روابط اقتصادی بین ۲ کشور را به رقم ۲۰ میلیارد دلار برسانیم

صفحه ۲



تکس: Khamenei.ir

ترامپ‌ستیزی به جای استکبارستیزی؟! امید رامز

■ امید رامز ■

شدیدترین تحریم‌های تاریخ علیه یک کشور بوده است. اندیشکده‌ها، مشاوران و رؤسای جمهوری دموکرات آمریکا بارها از راهبرد «تغییر نظام» سخن به میان آورده‌اند که یکی از مهم‌ترین اسناد آن طرح «Which Path to Persia» بوده است که در زمان «اوباما مؤدب» توسط اندیشکده بروکینگز وابسته به حزب دموکرات این کشور به عنوان نقشه راه قرار گرفت و ۹ راهبرد کلان از جمله حمله نظامی، کودتا و تحریم علیه ایران به کاخ سفید پیشنهاد شد. سال ۲۰۱۶ نیز در زمان ریاست جمهوری اوباما، انستیتو واشنگتن، اندیشکده فراهزینی آمریکایی که در خصوص مسائل غرب آسیا به کاخ سفید مشاوره می‌دهد، طی مقاله‌ای با عنوان «Preparing for Regime Change in Iran» از طرح تغییر نظام ایران پرده برداشت. ضمن اینکه نتایج رای‌گیری درباره طرح‌های ضدایرانی و رای‌دهی اکثریت مطلق نمایندگان هر دو حزب (نزدیک به ۱۰۰ درصد) در مجلس نمایندگان و سنا نیز بخوبی اتحاد دستگاه قانونگذاری ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی را نشان می‌دهد. به علاوه آذرماه سال ۹۵ بود که «سرگئی بارسقیان» از روزنامه‌نگاران حوزه تاریخ هم‌جناس با دولت طی یادداشتی با عنوان «جمهوری خواه‌طلبی ایرانیان» می‌نویسد: «سال ۸۳ در حاشیه نشست خبری حسن روحانی، دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی، از او پرسیدم به نظر شما انتخاب نامزد دموکرات‌ها در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا به نفع ایران است یا نامزد جمهوری خواه؟» ایشان پاسخ داد: «ایران از دموکرات‌ها زبان بیشتری دیده است... ما ترجیح نمی‌دهیم دموکرات‌ها برنده شوند. آنها به طور تاریخی بیش از جمهوری خواهان به ایران صدمه زدند...»

بنابراین با توجه به این فکت‌ها، بهتر است جریان حامی دولت به جای تقلیل دشمنی آمریکا به دیوانگی ترامپ، به مردم آدرس غلط ندهد و به جای امید به دموکرات‌ها، نگاه‌ها را به داخل کشور معطوف دارد.

مجلس نمایندگان نیز در حالی دموکرات‌ها جایز اکثریت خفیف آرا شدند که برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های ترامپ، حداقل به دوسوم آرای هر ۲ مجلس نیاز دارند. این نتایج نشان می‌دهد انتظارات دولت روحانی برای روی کار آمدن دموکرات‌ها جهت تغییر در سیاست‌ها کاملاً بی‌جا بوده است. از این گذشته نگاهی منطقی و عقلانی به عملکرد دولت‌های آمریکا به‌خصوص در قبال ایران در ۴۰ سال گذشته، بخوبی نشان می‌دهد برخلاف تلقی عمومی و آنچه از طریق ساختار رسانه‌ای نوحافظه‌کاران می‌پسازد، سیاست‌های ایالات (دموکرات‌ها) به هیچ وجه تعدیل‌یافته‌تر از قبیل‌ها (جمهوری خواهان) نبوده است. پایگاه خبری اسپوتنیک روسیه طی گزارشی درباره جنگ‌طلبی ۲ جریان سیاسی غالب آمریکا می‌نویسد: از ابتدای قرن بیستم، جمهوری خواهان آمریکا ۳۵ درصد درگیری و دموکرات‌ها ۲۳ درصد درگیری را فرماندهی کرده‌اند. تا همین جا مشخص می‌شود گزاره «دموکرات‌ها جنگ‌طلب نیستند» فقط یک توهم است. در ادامه گزارش آمده: از ۲۰ رئیس‌جمهوری که از ابتدای قرن بیستم در آمریکا بر سر کار بوده‌اند، ۱۲ رئیس‌جمهور، جمهوری خواه بوده‌اند که ۱۰ نفر آنها در درگیری نظامی شرکت داشته‌اند اما همه ۸ رئیس‌جمهور دموکرات آمریکا درگیر حداقل یک جنگ نظامی بوده‌اند. یعنی ۸۳ درصد جمهوری خواهان و ۱۰۰ درصد دموکرات‌ها! نمونه‌های اخیر جنگ‌های نظامی دموکرات‌ها شامل آغاز جنگ کره، آغاز جنگ ویتنام، جنگ بوسنی و بمباران یوگسلاوی و ادامه ۸ ساله جنگ عراق و افغانستان است.

علاوه بر این، به صورت اختصاصی نحوه مواجهه دولت‌های آمریکا با ایران نیز حاوی نکات مهمی است. آمریکا از آغاز انقلاب ۳۵ بار ایران را تحریم کرده است که ۲۴ مورد در زمان دموکرات‌ها و ۱۱ بار در زمان جمهوری خواهان بوده است. اوباما با ۱۱ تحریم، هر کردار تحریم علیه ایران است که در واقع

یکی از خیانت‌های جریان غربگرا پس از روی کار آمدن دونالد ترامپ و رویه‌رو شدن با خیانت‌های دولت جمهوری خواه ایالات متحده، تفکیک ترامپ از مجموعه نظام سیاسی این کشور است. مروری بر تلاش‌های ۲ سال اخیر این جریان به رهبری برخی اصلاح‌طلبان رادیکال و پراگماتیست‌های اعتدال و عملیات رسانه‌ای گسترده، نشان می‌دهد این جریان سعی دارند دشمنی ۴۰ ساله همه دولت‌های دموکرات و جمهوری خواه آمریکا را صرفاً به‌چون ترامپ تقلیل دهند و «ترامپ‌ستیزی» را جایگزین «استکبارستیزی» و «امریکاستیزی» کنند. اگر هم این روزها صحبت از لزوم اتحاد ملی علیه آمریکا را به میان آورده‌اند، که دغدغه دائمی مقام معظم رهبری و جریان انقلابی بوده است، نه ناشی از عبرت‌گیری تاریخی از خیانت‌های آمریکا، بلکه بیشتر ناشی از اتخاذ یک راهبرد موقت برای عبور مقطعی از مشکلات و به خیال خود دولت ترامپ است، چه با وجود تأکید رهبری بر عدم مذاکره با آمریکا و مودکا دولت فعلی این کشور، اعلام آمادگی برخی دولتمردان برای مذاکره با آمریکا را شاهد بوده‌ایم. فارغ از نحوه مواجهه با آمریکا، آنچه در این میان نباید مغفول بماند، ضعف‌های کلیدی تیم دیپلماتی و خروجی عملکرد آنها در توافقنامه برجام است که با دیدگاه «هر توافقی بهتر از توافق نکردن است» پشت میز مذاکره نشستند و حاصل آن توافقنامه‌ای است که با توجه به بند ۳۷ آن، ایران حتی جرأت طرح شکایت از بدهدنی طرف مقابل را نیز ندارد و برای احقاق حق خود درباره تخلف آمریکا در برجام، نه بر اساس خود توافق برجام که بر اساس عهدنامه مودت طرح شکایت می‌کند.

با این حال ابراز امیدواری از سوی دولتمردان و جریان حامی آن برای روی کار آمدن دموکرات‌ها در شرایطی مطرح می‌شود که در انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس آمریکا نیز جمهوری خواهان توانستند اکثریت خود را در سنا حفظ کنند و در

ما، اصلاح‌طلبان، تهران و آقای علم‌الهدی!

■ حسن قرانی ■

می‌رفت، تا شب می‌رقم خبرها را ببینم، دوباره صفحه نخست روزنامه و سایت‌های زنجیره‌ای اصلاح‌طلبان منقش به تصویر و سخن ایشان بود. انگار در وانفسای این همه مساله و مشکل در روابط بین‌الملل و در پایتخت ایران و در کابینه... برای جماعت اصلاح‌طلب که عمده روزنامه‌های‌شان هم در تهران است، سخنران مشهد جذابیت بیشتری داشت. خب! عجالتاً بگذارید مشهد را ترک کرده، به تهران برگردیم. اصلاح‌طلبان طی ۲ سال اخیر در تهران ۵ شهردار و سرپرست برای شهرداری تعیین کرده‌اند. رقم کمی نیست، مشهد ولی هنوز یک امام‌جمعه دارد! ببخشید، مثل اینکه مساله تهران بود ولی دوباره به مشهد برگشتیم. ظاهراً عادت رزنده اصلاح‌طلبان در ربط دادن تمام مسائل عالم و آدم به مشهد، به ما هم سرایت کرده است!

فارغ از جزئی مدام جریان اصلاح‌طلب و پاس گل‌های بلند و قطری مدام به آنها اریشه این عدم ثبات مدیریتی در تهران را باید از زبان خود اصلاح‌طلبان شنید. روزنامه اصلاح‌طلب آفتاب یزد، درست چند روز پس از اعلام نتایج انتخابات شوراها، درباره فرآیند تدارک ماه عسل اصلاح‌طلبان در تهران نوشت: «یک منبع آگاه توضیحاتی را درباره ماجرای درخواست ۲ میلیارد تومان از برخی کاندیداهای شورای شهر تهران جهت حضور در لیست امید ارائه داد. گویا چنین درخواستی از جانب دبیرکل یکی از احزاب سرشناس اصلاح‌طلب مطرح شده است!» بعدتر ماجرا وارد فاز جدیدتری شد و علیرضا طباطبایی، چهره سرشناس اصلاح‌طلب هم اعلام کرد به دلیل درخواست پول، در لحظه آخر از حضور در لیست موسوم به امید شورای شهر تهران انصراف داده است. پس از آن، فاطمه دانشور عضو اصلاح‌طلب شورای چهارم با اعتراض به فرآیند چنین لیست مذکور گفته بود: «با این وضع دیگر اصلاح‌طلب نیستیم!» پیش‌تر در آبان‌ماه ۹۵، روزنامه اصلاح‌طلب آرمان به نقل از الهه کولایی، استاد اصلاح‌طلب دانشگاه تهران درباره فرآیند

در مثل مناقشه نیست. اگر چنانکه اصلاح‌طلبان وانمود می‌کنند، «شورای نگهبان» را هووی آنها بدانیم و رابطه‌شان را هم رابطه جن و بسم‌الله، انتخابات شورای شهر حتماً ماه عسل این طیف است. در شورای شهر که نظارت شورای نگهبان بالای سرش نیست، اصلاح‌طلبان می‌توانند چند ورژن بالاتر از امثال محمود صادقی یا محمدعلی وکیلی و علی مطهری حاضر در مجلس را هم به میدان بیاورند تا بالاخره یک جا هم که شده، بتوانند ظرفیت واقعی خود را بروز دهند! در این میان، باز قصه تهران و شورای این شهر یک موقعیت آکازبون در همین ماه عسل است. تهران نه‌تنها در چشم است و جای است که اگر بترکند، همه ایران با خبر می‌شوند، که یک ترقه ترکاندن در آن، بیشتر از بمب ترکاندن در سیستان و بلوچستان صدا خواهد داشت و از باب وسعت کار و امکانات هم همین بس که شهردار تهران عضو هیات دولت است و شورای شهر تهران مانند یک دولت بودجه‌بندی سالانه و... دارد. نگاهی به مدیریت مطلق‌العنان این طیف در تهران یک سال اخیر اما بیش از آنکه مردم را یاد ماه عسل بیندازد، یاد راه‌روهای دادگاه خانواده انداخته است! الساعه نمی‌خواهم ریشه مشکل را بگویم چیست، ولی واقعیت این است که اصلاح‌طلبان به مربیگری محمد خاتمی چنانکه همیشه آرزو داشته و می‌گویند، قوی‌ترین ژنرال‌های موجود خود در حوزه مسائل شهری را به شورای تهران فرستاده‌اند. لذا ریشه شکست و عدم انسجام مدیریتی شهرداری تهران را حتماً باز هم باید در جای دیگری جست‌وجو کرد. مثلاً شاید در مشهد! بگذارید وسط مجلس، یک خاطره و آرزوی شاید بی‌ربط برای تان بگویم. ۲ سال پیش که به دلایل کاری مجبور بودم هر هفته بعدازظهر شنبه از محل کار تا منزل رانندگی کنم، بین راه رادیو خراسان گوش می‌کردم و از قضا، همیشه موعود پخش خطبه‌های نماز جمعه مشهد پشت‌پشت‌پشت‌پشت‌پشت می‌رسیدم آقای علم‌الهدی را یاد

توجه به این فکت‌ها، بهتر است جریان حامی دولت به جای تقلیل دشمنی آمریکا به دیوانگی ترامپ، به مردم آدرس غلط ندهد و به جای امید به دموکرات‌ها، نگاه‌ها را به داخل کشور معطوف دارد.

